



راهبردی جنگ

شماره ۱

۱۴۰۴/۰۳/۲۶

ویژه نامه ایده های راهبردی و عملیاتی وعده صادق ۳

ستاد
مردم
جنگ

تہذیب

فہرست

- ۱..... محمد علی شکوہیان راد
۳..... محمد ہانی ایران منش
۹..... حجت الاسلام علی مہدیان
۱۰..... مجتبیٰ فرهنگ



سردبیر: مجتبیٰ فرهنگ
ویراستار: فاطمہ زمانی
مدیر ہنری: علیرضا رحمانیان
گرافیسٹ: زہرا ناصرپور

باطل محکوم به نابودی است

البته این پیام حضرت امیرالمومنین (ع) به همه‌ی شیعیان‌شان در طول تاریخ است. و دقیقاً امروز مشابه همین پیام را در آن چیزی که به مناسبت همین حمله‌ی جنایتکارانه‌ی رژیم یهود از سوی ولی امر مسلمین دیدیم مجدداً تکرار شد که فرمودند: «دست قدرتمند نیروی مسلح جمهوری اسلامی او [رژیم صهیونیستی] را رها نخواهد کرد به اذن الله. رژیم صهیونی با این جنایت‌های خود سرنوشت تلخ و دردناکی تدارک دید و آن را قطعاً دریافت خواهد کرد». توجه کنید که سرنوشت، مسئله‌ی پایان است و ان‌شاءالله که پایان یهود از برکت همین عید غدیری که پیش روی ما است، نزدیک است.

اتمام حجت اجتماعی در کشور

مسئله‌ی فرآیندهای اجتماعی و حضور مردم در این قضیه به شدت تعیین‌کننده و مهم است. فعالیت‌های مردمی برای حمایت‌های میدانی از تحقق امر ولی یعنی رقم خوردن سرنوشت تلخ و دردناک برای رژیم صهیونیستی بسیار بسیار جدی است. می‌توانم اینطور عرض کنم که شاید از مدت‌ها پیش برای عموم مسئولان کشور و برای بخش چشم‌گیری از مردم مشخص بود که تکلیف ما با این رژیم چیست. اما بخش دیگری از مردم عزیزمان را داشتیم که متأثر از فعالیت‌های شدید رسانه‌ای دشمن علی‌الخصوص با رویکردهای جنگ شناختی مردد بودند که شاید ما راه بهتر از درگیر شدن نظامی با این رژیم داشته باشیم. امروز به واسطه‌ی این حماقتی که دشمن رقم زد، اتفاق مهمی که می‌افتد و الآن افتاده است این هست که اتمام حجت اجتماعی تقریباً برای همه جامعه صورت گرفت. در حالی که ما چندماه در مذاکرات بودیم. در حالی که یک‌ظبار قبلاً به گفته‌ی شخص رئیس‌جمهور، آمریکا در مسئله‌ی آتش‌بس دروغ گفته بود، ما به او اعتماد کردیم ولی او حمایت کرد و اسرائیل حمله کرد. مجدداً همین را دیدیم. این دو خبر را با هم کنار هم قرار بدهید در یک قاب تصویر تحلیل بکنید. در حالی که ما در حال مذاکره بودیم، کشورهای اصلی اروپای غربی به دنبال تصویب قطعنامه علیه ایران بودند که یکی دو روز گذشته قرار شد که رأی‌گیری بشود و در حالی که ما در مذاکره بودیم، اسرائیل به نقاط مختلف کشور و این بار نه فقط تهران و نه فقط به مسئولان نظامی بلکه به زن و بچه، به مردم؛ زمانی که در خواب بودند در خانه حمله کرد. و مشخص شد که مذاکره برای دشمن فقط یک کارکرد دارد: وقت خریدن حمله‌ای بزرگ‌تر. او در هر حال حمله‌ی نظامی‌اش را انجام می‌دهد. الان این اتمام حجت اجتماعی در کشور شکل گرفته است. روی این با دیگران صحبت کنید. حمایت قاطع از مسئولان کشوری و لشکری در این عرصه خیلی مهم است. اختلافات هرچیزی که هست و همیشه در ادوار و در موضوعات مختلف بوده است، الان این وسط جایی ندارد. شرایط الان به شدت حساس‌تر از زمان دفاع مقدس است. چون امروز ایران سرنوشتی را رقم می‌زند که برای همه‌ی اهل حق جهان تعیین‌کننده است و نه فقط برای مردم خودمان. امروز دقیقاً در همان دوراهی هستیم که حضرت امیرالمومنین (ع) فرموده بود.



محمد علی شکوهیان راد

– پژوهشگر و نویسنده حوزه‌ی

مطالعات سایبرنتیک

– پژوهشگر ارشد آزمایشگاه

پژوهشی فضای سایبر دانشگاه تهران

مستحضر هستید که در نیمه شب ۲۳ خرداد رژیم کودک‌کش یهود با اجرای حملات نظامی به بخش‌هایی از کشور، عزیزانی از فرماندهان نیروهای مسلح و هم‌چنین دانشمندان عزیزمان را به شهادت رساند و در نتیجه‌ی حمله به بخش‌های مسکونی کشور، از زنان و کودکان ما شهید گرفت. نمونه‌ای از آن چیزی که بیش از یک‌سال به صورت مستمر جانیانه در غزه در حال انجام آن است. اخبار مختلفی در این راستا مخصوصاً در فضای سایبر در حال انتشار است. من کوتاه نکات کلی را عرض می‌کنم:

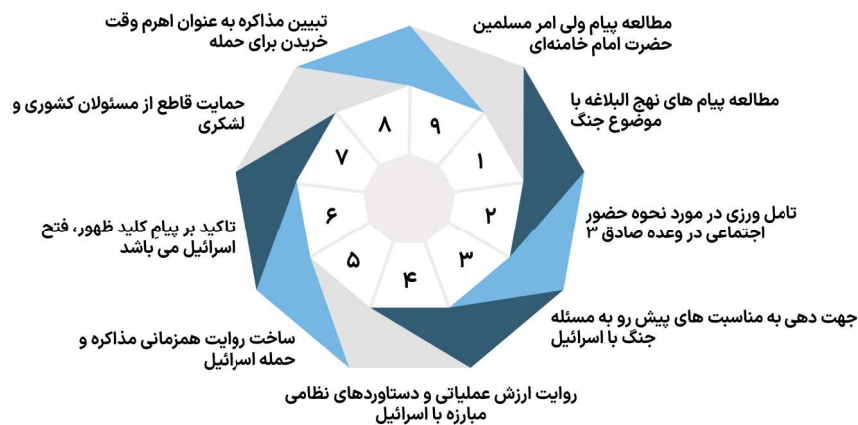
بر سر دوراهی جاودانگی یا شکست

در رأس و ابتدا توصیه‌ی ویژه دارم که پیام ولی امر مسلمین حضرت امام خامنه‌ای را در این خصوص مطالعه کنید. نگاهی که امام جامعه به این قضیه دارند و آن چیزی که به عنوان امر ولی، همه‌ی ما امروز مخاطبش هستیم. زمانی حضرت امیرالمومنین (ع) به سپاهیان خودشان دستور دادند که «دشمن شما را به پیکار دعوت کرد. الآن بر سر دوراهی هستید: یا بر ذلت و خواری بر جای خود بنشینید و یا شمشیرها را از خون آن‌ها سیراب کنید تا از آب سیراب شوید. پس بدانید که مرگ در زندگی، همراه با شکست و زندگی جاویدان در مرگ برای شما پیروزمندانه است»

در میدان جنگ شناختی، پیاده نظام دشمن نباشیم

در این مسئله جنگ شناختی را خیلی جدی بگیرید. یکی از مهم‌ترین گزاره‌های جنگ شناختی که فعال شده است و قبلاً هم بود و مسبوق به سابقه است، این است که در این اقدام رژیم صهیونیستی، آمریکا نقشی ندارد، آمریکا اطلاعی ندارد، ما مذاکره‌مان را با آمریکا ادامه می‌دهیم و نباید مسئله اقدامات رژیم صهیونیستی صدمه‌ای به مذاکرات بزند. هرگونه صدایی از این جنس، از هر فردی که شنیدید، با توجه به اینکه جملات این‌چنینی که «آمریکا بی‌گناه است»، «آمریکا نقشی ندارد»، «رژیم خودش از این کارها انجام داده است»، «راه مهار کردن رژیم این است که ما با آمریکا به توافق برسیم تا او رژیم را متوقف بکند». چون جملات این‌چنینی دقیقاً از اتاق فکرهای خود دشمن تولید می‌شود و به رسانه‌ها داده می‌شود، هر فردی در هر جایگاهی حرف‌های این‌چنینی زد، یقین بدانید که پیاده‌نظام دشمن است. چه سهو، چه عمد.

ایده‌های میدانی مردمی



دوگانگی عزت و ذلت؛ مذاکره دام است یا راه حل؟

کسی که امروز در این شرایطی که او تا زن و بچه‌ی ما را در خواب به شهادت می‌رساند، دوباره دارد صحبت از مذاکره می‌کند. و این در حالی هست که ما مثل دفعات قبلی اطمینان داریم که آمریکا کمک اطلاعاتی کرده است، آمریکا کمک نظامی کرده است، حتی الان که حمله رخ داده است، آمریکا نه تنها محکوم نکرد، بلکه ترامپ خط و نشان کشید. تا همین الان که نتانیاهو از ترامپ تشکر کرده است. بابت چه چیزی تشکر کرده است؟ خیلی واضح و علنی است که این یک حمله‌ی هماهنگی بوده که صورت گرفته است. الان دیگر هر کسی از این جنس حرف‌ها بزند قطعاً پیاده‌نظام جنگ شناختی دشمن است. تفاوتی هم نمی‌کند که چه کسی است؟ با چه جایگاهی در مسئولیت؟ مردم باشند، مسئول باشند، در هر جایگاهی باشند، در هر طیف سیاسی که باشند، با هر نگاهی که باشند، امروز این حرف کمک به ادامه‌ی جنگ به نفع دشمن است.

اقدامات دشمن



ایران، مقتدرتر و آماده‌تر از قبل

الآن آن چیزی که مشخص است این است که ما باید در دوگانگی ذلت و عزت انتخاب بکنیم. و از سمت دیگر بزرگنمایی آن کاری که دشمن انجام داد، اشتباه است. بله حمله کرده است، شهادتی داشته است و تخریب‌هایی داشته است. ما هم حملاتی داشتیم. به همان نسبت که متأسفانه در موارد سابق، ارزش عملیاتی وعده‌ی صادق ۱، وعده‌ی صادق ۲ درست بیان نشد یعنی خودمان را نشناختیم و از آن سمت اگر دشمن یک کاری کرد که چند برابر بزرگ شد، الان همان خط خبری متأسفانه دارد تلاش می‌کند که القای ترس بکند. در صورتی که ما در شرایط بسیار ضعیف‌تر که یک صدم توانمندی‌ها و تکنولوژی‌ها و آمادگی‌های امروز را نداشتیم یعنی ابتدای انقلاب جلوی ۸۰ کشور دنیا ایستادیم که یکی از آن‌ها آمریکا بود. آن موقع شوروی هم بود، آن موقع همین رژیم صهیونیستی هم بود و همه به حزب بعث کمک می‌کردند.

امروز ما در شرایط بسیار مقتدرتر و آماده‌تر هستیم و دشمن نسبت به آن روز ضعیف‌تر است و ان‌شاءالله که رأس قضیه که نصرت خدا است، اگر به امر ولی عمل و توجه کنیم، شامل حال مان می‌شود ان‌شاءالله. این عید غدیر هدیه‌ی ویژه‌ای که حضرت امیرالمومنین (ع) به اهل حق داد، این بود که ان‌شاءالله در تکرار فتح خیبر، خیبر بزرگ امروز یعنی حذف اسرائیل از نقشه‌ی جغرافیایی جهان رقم بخورد و این خیبر امروزی فتح بشود و ان‌شاءالله که بیت‌المقدس به زودی زود آزاد بشود که مهم‌ترین زمینه‌ی ظهور حضرت حجت (عج) باشد. ان‌شاءالله.

در تصمیم‌گیری چه مسائلی را در نظر بگیریم:

حال در چند کلمه طرح راهبردی، خط رسانه‌ای دشمن و خط گفتمانی آنها را با یکدیگر پیگیری کنیم. من به چند مورد رسیدم که این‌ها نشان می‌دهد که ما در مقابلش چه کار باید بکنیم؟

نکته‌ی اول:

آن‌ها وارد یک جنگ تمام عیار و طولانی مدت شدند. این که نتانیاهو گفت که حداقل دو هفته جنگ است. این نشان‌دهنده‌ی یک جنگ تمام عیار است و تمام خطوط قرمز را رد کرده است و شروع یک جنگ تمام عیار را سامان داد و به مردم خودش هم اعلام کرد که یک جنگ تمام عیار در حال شکل‌گیری است.

نکته دوم:

مسئله‌ی مذاکره است که ترامپ مطرح کرده است و گفته است که آقا اینجا مسئله‌ی مذاکره می‌آید و حالا ایران باید با یک قواعد جدیدی پای میز مذاکره بیاید.

نکته سوم:

مسئله‌ی حذف شدن یک لایه‌ی مدیران جمهوری اسلامی است که دشمن در مورد آن دارد صحبت می‌کند. می‌گوید که آن فرماندهان، آن نسل به اتمام رسید و حال باید نسل دیگری سرکار بیاید که با آن‌ها باید متفاوت باشند.

نکته چهارم:

مسئله‌ی عزت ایران در آرامش است، که در خط عدم جنگ است. این خطی بود که برخی از تئوریست‌های اصلاح طلب نفوذی این را شروع کردند که آیا دنبال عزت ایران هستید، تعبیرشان این بوده است: «ولله عزت ایران در مسئله‌ی مذاکره است، در مسئله‌ی آرامش است و در مسئله‌ی این است که انتقام نگیریم» و این کاملاً در مقابل این است که شما وقتی وارد جنگ شدید، دیگر الان وقت این حرف‌ها نیست.

نکته پنجم:

این است که آمریکا تمام قد با اسرائیل به طور هماهنگ و جدی این کار را انجام دادند و اینکه سه نکته را ترامپ گفت: اول اینکه این جنگ را ما اطلاع داشتیم. دوم اینکه ما از اسرائیل دفاع می‌کنیم. سوم سلاح‌های زیادی هم به اسرائیل دادیم و دست او را برای این جنگ پر کردیم. و اینکه آمریکا و اسرائیل با هم دیگر این عملیات را انجام دادند و با حمایت و پشتیبانی آمریکا این قصه صورت گرفته است. این مسئله‌ی مهمی است.



محمددهانی ایرانمنش

عضو شورای عالی جهاد سازندگی

وظیفه‌ی ما چیست؟

این واقعه و حادثه رخ داده است. امروز الان بچه‌ها خیلی سوال دارند که چه باید بکنیم و وظیفه‌ی ما چیست؟ و الان چه بر عهده‌ی ما است و چه اتفاقی باید رقم بخورد؟

این به نظرم یکی از وظایف جدی هر جمعی که داریم جمع می‌شویم این است که:

- اول اینکه فضای نقشه را ترسیم بکنیم که آمریکا و اسرائیل از این طراحی دنبال چه نقشه‌ای بودند؟

- دوم نقشه‌های رقیب را هم خیلی سریع تحلیل کنیم.

- سوم وارد راهبردهای جبهه بشویم و در رابطه با راهبردهای جبهه صحبت بکنیم و در بین راهبردهای جبهه به طور ویژه و اساسی روی موضوع تحلیل خط راهبردی رسانه‌ای و گفتمانی تمرکز بگیریم چون حواس مان باشد که این جنگ بیش از هر چیزی جنگ رسانه‌ای است. بیش از هر چیزی جنگ شناختی است. بیش از هر چیزی جنگ گفتمانی است.

و آن‌چه که به تعبیر مقام معظم رهبری، دشمن را عقب می‌راند، پهبادها و موشک‌ها نیستند؛ این جنگ رسانه‌ای است. آن وقت گنشگران واقعی و فرماندهان خط مقدم خودشان را نشان می‌دهند. این نکته‌ی کلی بنده، ما امروز نیازمند به این ترسیم نقشه‌های رقیب و به این خط راهبردی هستیم.

نکته ششم:

که آن‌ها روی آن دست گذاشتند و دارند روی آن کار می‌کنند، جدا کردن مردم از سپاه و هسته‌ای‌ها است. یعنی اینکه اسرائیل آمده هسته‌ای را زده و مردم را نزده است و با مردم ایران کاری ندارد. تمام مدت این خط را تلاش می‌کرد اسرائیل هم در فلسطین و در لبنان پیش ببرد و الان هم این کار را کرده است. اکثر عملیات‌هایی که می‌کند، مهم‌تر از عملیات برای جنگ شناختی است که ایجاد می‌کند و تصور شناختی است که آقا من با لبنان نمی‌جنگم، من دارم فرماندهان حزب‌الله را می‌زنم، من دارم مکان‌های حماس را می‌زنم؛ من با مردم فلسطین جنگ ندارم. و این را به دنیا القاء می‌کند، به مردم این‌جوری القاء می‌کند که من یک جنگ کنترل‌شده‌ی دقیقی که دارم، چهره‌های این‌چنینی را می‌زنم دارم سامان می‌دهم و این یکی از محورهای است که کار می‌کند و احتمالاً این‌ها تا شب همین‌جوری محورهای خواهند داشت. محورهای متعددی که شکل خواهد گرفت.

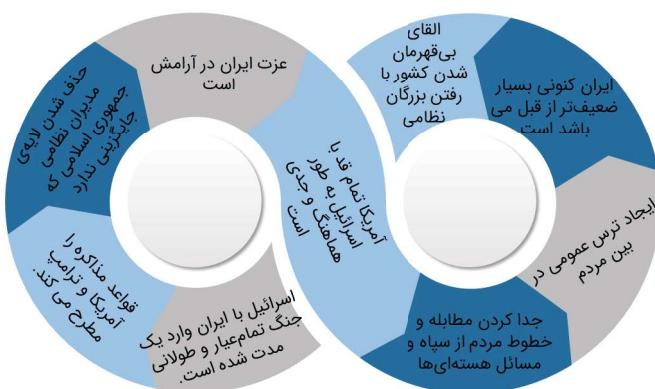
مسئله ترس

نکته‌ی مهم این است که نتیجه‌ی این‌ها چه خواهد بود؟ به طور قهری عملیات این اتفاقات را هم رقم خواهد زد: ترس و اینکه مردم بترسند که آقا جنگی دارد شکل می‌گیرد و این جنگ ممکن است که اقتصاد ما را به هم بریزد، امنیت ما را به هم بریزد و... مسئله‌ی ضعف برای آن‌ها موضوعیت دارد و اینکه این خط راهبردی در ذهن همه شکل بگیرد که ایران ضعیف‌تر است و ایران ضعیف است و ایران نمی‌تواند مقابله بکند. مسئله‌ی شکست و احساس شکست القاء بشود و مفهوم شکست تبدیل به انگیزه و انگاره‌ی اصلی بشود و مسئله‌ی بی‌قهرمان شدن با رفتن بزرگان ما، اینکه ما دیگر قهرمان نداریم و حال، دیگر قهرمانی وجود ندارد که با اسرائیل بجنگد. یحیی سنوار رفت، سیدحسن نصرالله رفت، اسماعیل هنیه رفت و حالا فرماندهان بزرگ ایران هم رفتند، محمد باقری رفت، سلامی رفت و... این‌ها همه رفتند و حال دیگر قهرمانی وجود ندارد که بجنگد.

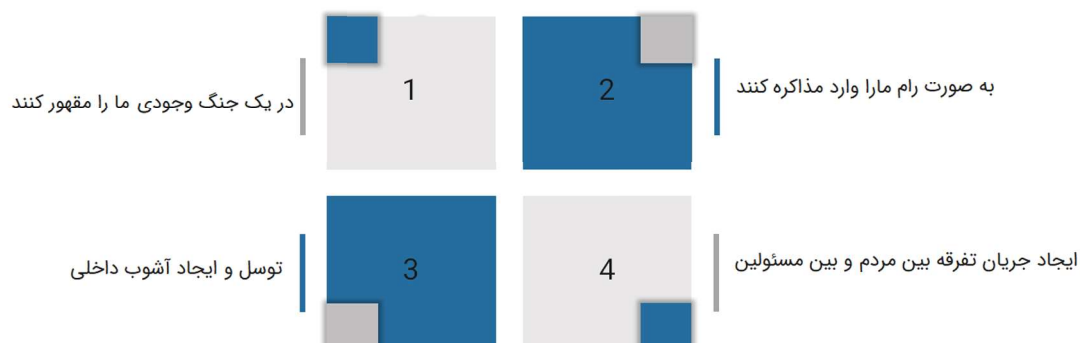
ایده کلان دشمن

ایده‌ی کلان آن‌ها هم این است که اولاً در یک جنگ وجودی ما را مقهور خودشان بکنند و دوماً ما به صورت رام پای میز مذاکره بیاییم. ثالثاً به شدت متوسل این هستند که آشوب داخلی راه بیاندازند و آشوب داخلی شکل بگیرد و رابعاً اینکه تفرقه شکل بگیرد و یک جریان تفرقه بین مردم و بین مسئولین را بتوانند سامان‌دهی بکنند که در همین ساعات‌های اولیه در فضای توییت‌ر و فضا‌های دیگر می‌شود گفت که این تفرقه را شروع کردند به کلید زدن.

خطوط طرح راهبردی دشمن

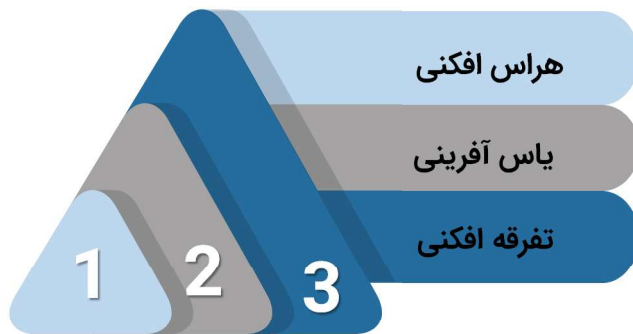


ایده های کلان دشمن



سه محور اصلی دشمنی

من اینجا می‌خواهم یک تأکیدی بکنم که همه ی این‌ها را می‌شود ذیل این سه‌گانه‌ای که مقام معظم رهبری در دیدار با مداحان فرمودند دسته‌بندی کرد: دشمن سه محور اصلی جنگ با ما دارد: هراس افکنی، یأس آفرینی و اختلاف و تفرقه‌افکنی. این سه محور سه محور اصلی است که دشمن به دنبال آن است و می‌خواهد هراس ایجاد بکند و با خوف ما را مدیریت بکند. می‌خواهد یأس و ناامیدی ایجاد کند نسبت به آینده، نسبت به قدرت، نسبت به اینکه ما می‌توانیم دنیا را تغییر بدهیم و محور تحولات عالم بشویم و شکل بدهیم. مسئله‌ی بعدی تفرقه ایجاد کردن است. این سه‌گانه به نظرم سه‌گانه‌ی مهمی است که ما الان در جنگی که پیش رو داریم، باید این را لحاظ بکنیم.



سه محور اصلی جنگ دشمن

رسانه

نکته‌ی بعدی اینکه حالا می‌خواهم در رابطه با اینکه ما تدبیرمان چه باید باشد؟ لاقلاً از حیث جنگ رسانه‌ای چه باید بکنیم؟ و پیام ما باید چه باید باشد؟ دو لایه‌ی اصلی دارد. یکی اینکه چه باید بگوییم، رسانه‌ی پیام‌رسان. و دوم اینکه چه حرکتی باید ایجاد بکنیم، به عنوان رسانه‌ی حرکت آفرین، رسانه‌ی اجتماعی و آنچه که باید رخ بدهد. در نقطه‌ی پیام‌رسان این نکات به ذهنم می‌آید:

باید آرایش جنگی بگیریم

نکته‌ی اول باید بگوییم جنگ است، جنگ وجودی است. این چیزی که حضرت‌آقا فرمودند را باید خیلی جدی بگوییم و این مسامحه‌ای که نه جنگ نیست، نه حالا کنترل شده زده است ما هم کنترل شده می‌زنیم و به اتمام می‌رسد؛ باب این را باید جمع بکنیم و باید آرایش جنگی بگیریم. همه‌ی مشکل ما این بوده است که ما در این ۶۰۰ روز در لایه‌ی اجتماعی خودمان آرایش جنگی نگرفتیم. شاید برخی گرفتند ولی جامعه‌ی ما این آرایش جنگی را نگرفته است. البته برخی صلاح نمی‌دانستند و می‌گفتند نباید آرایش جنگی در جامعه گرفته بشود و باید یک آرامشی حاکم باشد. ولی به نظر می‌آید که این یک خطای راهبردی جدی بود و حالا که این صحنه رخ داده است دیگر نباید این خطا دوباره تکرار بشود که به وضعیت صلح و آتش‌بس برگردیم و جامعه‌ی ما باید حس بکند که باید آرایش جنگی بگیرد. بله آرایش جنگی نحوه‌ی خاص اقتصاد خودش را دارد، آرایش جنگی نحوه‌ی خاص امنیت خودش را دارد، آرایش جنگی نحوه‌ی آمادگی شدن خودش را دارد، آرایش جنگی حتی تربیتش تغییر می‌کند.

حرکت مردمی ایجاد کنیم

نکته‌ی دوم اینکه خیلی باید روی این تأکید بکنیم که باید حرکت مردمی راه بیافتد و این به آن رسانه‌ی حرکت آفرین هم کمک می‌کند ولی ما به یک حرکت مردمی در مبارزه نیازمندیم.

آمریکا می‌خواهد بین مردم و سپاه و این نظام فاصله بیندازد و بگوید که اینها از هم دیگر جدا هستند و حالا باید موضوع جنگ و این جنگی که تمام عیار هست را به یک موضوع مردمی و خواست مردم بدل بکنیم. این تنوع تیپولوژی می‌خواهد، این تنوع مخاطب می‌خواهد، این تصاویر خیلی باید تصاویر متنوعی باشد. نباید فقط تصاویر هیئت پخش بکنیم، مداح‌ها و هیئت‌هایی که این حس را در مخاطب ایجاد بکند که این یک خواست جدی نیروهای انقلابی و حزب‌اللهی است نه یک خواست مردمی. و این فضا باید به طور مداوم شکل بگیرد.

جنگ، جنگ رسانه‌ای و شناختی‌ست

مسئله‌ی بعدی این است که باید حواس‌مان باشد که جنگ، جنگ رسانه‌ای است. آن‌چه که این جنگ را می‌تواند تغییر بدهد، مغلوب بکند یا غالب بکند، جنگ رسانه‌ای است. این چیزی که حضرت آقا سال گذشته ۳-۴ بار فرمودند: اکنون وقتش است که ما باید آرایش جنگی بگیریم. قرارگاه‌های رسانه‌ای‌مان باید شکل بگیرد، انسان رسانه‌هایمان باید به میدان بیایند و هر کسی باید برای خودش رسانه‌ی قدرتمند بشود و کار را شروع بکند و بداند که این ۱۰۰۰ مشعل‌ها در کنار هم دیگر می‌تواند یک هجوم بی‌نظیر را به تارک‌ه‌ی رژیم صهیونیستی بیاورد و می‌تواند دنیا را تغییر بدهد و این پیروزی مهم حتی از اینکه آیا ما فرماندهی از آن‌ها بزنیم یا نزنیم، آیا بتوانیم اطلاعات آن‌ها را به دست بیاوریم یا نیاوریم، آیا بتوانیم آن‌ها را در روی زمین شکست بدهیم یا ندهیم هم مهم‌تر است. مسئله‌ی اصلی امروز در جهان شکست رژیم صهیونیستی در اذهان است، شکست رژیم صهیونیستی در دل‌هاست و پیروزی ما در این عرصه است و این جنگ واقعی است. این جنگ اصلی است. امروز آن‌چه که اسرائیل را عقب می‌راند این حوزه است و این جنگ رسانه‌ای و جنگ شناختی است.

واژگان رهبری مهم هستند

مسئله‌ی بعدی اینکه باید روی این واژگانی که حضرت آقا در رابطه با آن‌ها در این پیام‌شان صحبت و طراحی کردند کار جدی بکنیم. واژه‌ی بی‌درنگ، واژه‌ی سرنوشت تلخ و دردناکی که قطعاً دریافت خواهد شد، واژه‌ی مجازات سخت، واژه‌ی قدرتمند بودن نیروهای مسلح ما و رها نخواهند کرد. این‌ها واژگانی است که در پیام حضرت آقا است و ما باید با همین محوریت جریان‌های رسانه‌ای قدرتمندی را خلق بکنیم. متأسفانه در این ۶۰۰ روز گذشته ما دیدیم که گاهی دوستان واژگان آقا را کنار می‌گذارند و آن‌ها را تبدیل به واژگان دیگری می‌کنند. این صیانت بر عهده‌ی ما است که این اتفاق را رقم بزنیم که سر این واژگان بایستیم و با این واژگان حرکت را شکل بدهیم.

توجه به فرمایشات رهبری

مسئله‌ی بعدی این است که ما به شدت نیازمند به بازسازی ادبیات آقا در این دو سال گذشته هستیم. غفلت ویژه‌ای ما نسبت به این ادبیات کردیم، غفلت ویژه‌ای نسبت به پرداختن آن کردیم. حال باید تمام قد پای آن بایستیم.

- ما نسبت به اینکه حضرت آقا فرمودند که «فرض است و این یک جهاد فی سبیل الله است و باید هر کسی در این جهاد نقش خودش را پیدا بکند»، حتی نسبت به آن غفلت کردیم.

- ما نسبت به اینکه جهاد فی سبیل الله و حمایت از جهاد فی سبیل الله دو واجبی که باید جفت آن انجام بشود، غفلت کردیم.

- ما نسبت به اینکه باید در این جنگ رسانه‌ای تمام عیار هر کسی نقش خودش را پیدا بکند، غفلت کردیم.

- ما نسبت به فرمان حضرت آقا که هر کسی باید وظیفه‌ی خودش را نسبت با نابودی اسرائیل و رویارویی با رژیم صهیونی پیدا و ایفا بکند غفلت کردیم.

- ما در رابطه با اینکه ایشان به هیئت‌ها و مداحان امر کردند که بروید و با هراس افکنی آمریکا مبارزه بکنید و بجنگید، نسبت به آن غفلت داشتیم.

- ایشان فرمودند هر کسی که رسانه‌ای دارد پرده‌ی توهم اقتدار آمریکا را باید بشکند و پاره بکند، این را امر کردند ولی متأسفانه نسبت به آن غفلت کردیم.

- ما نسبت به حوزه‌ی انسجام که حضرت آقا فرمودند امروز نسبت به هر روز دیگری انسجام واجب و واجب‌تر است ما نسبت به آن غفلت داشتیم. و این بازخوانی فرمایشات و اوامر حضرت آقا در دو سال گذشته می‌تواند به ما کمک جدی بکند که ما در این جنگ تمام‌عیار وجودی بتوانیم نقش آفرینی جدی خودمان را داشته باشیم.

باید حرکت آفرینی کنیم

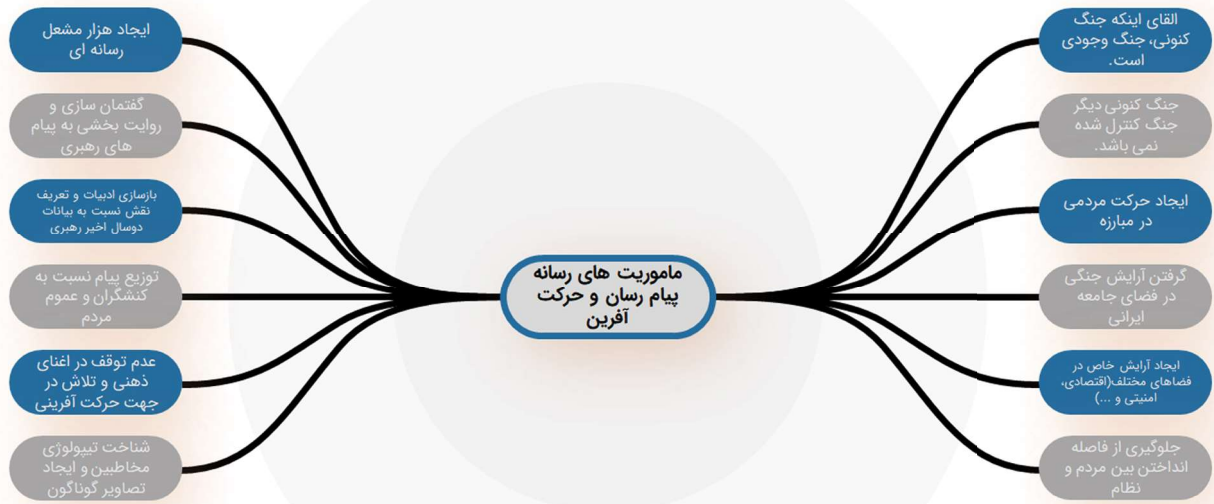
دوم خطاب به توده‌ی مردم است، به عموم مردم است. ما در این خطاب به عموم مردم باید محوریت نقش های دشمن را دانه به دانه و به خوبی تحلیل بکنیم و «قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» بکنیم و برای او تمام ابزارهای تبیین را به کار ببریم تا مردم پای کار بیایند و از همه مهم تر اینکه رسانه را باید به نقطه‌ی حرکت آفرینی برسانیم نه فقط اغنای ذهنی. دیگر کفایت نمی‌کند که بازی‌های دم-دستی که حریف من هستم که آقا عدد فلان را به فلان بفرستید. نه باید واقعاً این روح مردم برای اغناء علیه اسرائیل را به حرکت تبدیل بکنیم. به حرکت عمومی تبدیل بکنیم و این با فرستادن عدد فلان به سامانه‌ی فلان انجام نخواهد شد. این نسبت ما با توده‌ی مردم است.

ماهیت این جنگ، اجتماعی‌ست نه نظامی

حالا بخشی از این پیام را باید به جبهه‌ی فرهنگی انقلاب بدهیم. جبهه‌ی فرهنگی انقلابی و بچه‌های رسانه‌ای، بچه‌های جهادی که الآن در وضعیت بُهت و حیرتی هستند. این وضعیت بُهت و حیرت نباید ما را با احساسات در لحظه‌ی حماسه‌ای که چهار تا الان موشک یا پهباد بزنیم و ما از ماهیت جنگ غفلت بکنیم، نباید تبدیل به مطالبات نادرستی بشود که در وعده‌ی صادق ۱ و ۲ شکل گرفت و اینکه ما جنگی که تمام‌عیار بود، اجتماعی بود، همه باید در آن نقش داشتیم تبدیل کردیم به جنگ نظامی که فقط آنجا تعیین تکلیف بشود. این هم نباید رخ بدهد و یک خطاب جدی ما باید با جبهه داشته باشیم و ما واقعاً آرایش جنگی درست بگیریم.

تقابل بپایه نظام رسانه‌ای دشمن

ما یک نسبتی هم با دشمن داریم، این دشمن دو بخش است یک بخشی دشمن جریان رسانه‌ای و جریان سرمایه‌داری و جریان لیبرالی که در این نقطه ایستاده است و یک دشمن هم دشمن نفوذی داخلی است و دشمن‌هایی مثل مرجفون‌ها (ماده ارجاف به معنی اشاعه اباطیل به منظور غمگین ساختن دیگران) و کسانی که در جامعه‌ی انسانی ناامیدی ایجاد می‌کنند و کسانی که در درون جامعه شک و تردید ایجاد می‌کنند، کسانی که در درون جامعه انگاره‌های دشمن را به صورت پیاده‌نظام رسانه‌ای پیش می‌برند. با این‌ها در این وضعیت باید تقابل‌های جدی صورت بگیرد و هم با طراحی‌های آن‌ها و هم با خود افراد باید تقابل‌های جدی صورت بگیرد و این طراحی می‌خواهد و این به همین راحتی نیست و یک طراحی قابل اعتنایی را می‌طلبد و این می‌شود گفت که نقشه‌ی مهم ما است که هم در نقطه‌ی پیام‌رسانی و هم در نقطه‌ی حرکت آفرینی باید این‌ها را جلو بیاوریم.



غلبه اجتماعی

حالا یک مسئله خیلی مهمی اینجا وجود دارد، مسئله غلبه اجتماعی است. دوستان بزرگوار ما باید غلبه پیدا بکنیم. این غلبه باید در شهر، در خیابان خودش را نشان بدهد. این غلبه باید در فضای مجازی خودش را نشان بدهد. این غلبه باید در گنش گری خودش را نشان بدهد و اگر ما نتوانیم به خیابان بیاویم، اگر ما نتوانیم گرد هم جمع بشویم این غلبه را سامان بدهیم، این فضای حرکت عمومی و فضای حضور مردم و فضای یک جنگ واقعی تمام عیار رخ نخواهد داد.

چند پیشنهاد میدانی

ما پیشنهاد این است که در میدان عملیات چه بکنیم؟

۱. به خیابان بیاویم و خیابان را متأثر بکنیم با هر آنچه که برای غدیر میخواستیم به میدان بیاویم، این روح حیدری و حماسه حیدری و تقابل با فضای خیبر را به میدان بیاوریم و این حیدر کراری که فتح قلعه خیبر می کند را تمام قد به جلوه بیاوریم. ما باید خودمان را برای یک جنگ تمام عیار آماده بکنیم.
۲. باید قرارگاه هایمان را شکل بدهیم. هر جا که هستیم باید آتش به اختیار، خودجوش گرد هم بیاویم، با هم قرارگاه ها را تشکیل بدهیم و به موازات با آن طراحی هایمان را بکنیم.
۳. مسئله جنگ رسانه ای که عرض کردم هسته های مقاومت رسانه ای را شکل بدهیم و تمام ظرفیت ها را به میدان بیاوریم به ویژه نوجوانان و زنان و معلمان را، این ها را به میدان بیاوریم برای اینکه بتوانند کاری انجام بدهند. اگر میگوییم جنگ طولانی مدت برای آن آرایش جنگ طولانی مدت بگیریم و برای آن آماده بکنیم هم بچه های خودمان را و هم جامعه را و ما به ازای آن تدبیرهای متعددی در محله هایمان، در مساجدمان و در فضاهای مختلف که به آن نیازمندیم تا این جریان بتواند شکل بگیرد.
۴. مسئله بعدی اینکه فضای شهر را مملو بکنیم از این نقطه، از عکس شهدا، از مسئله انتقام، از درخواست برای اینکه این جریان قدرتمند مبارزه با اسرائیل شکل بگیرد و این را بتوانیم شکل بدهیم.
۵. مسئله بعدی در مسئله شناخت این مقاومت و این مبارزه و گره خوردن آن با مفهوم زندگی و پیشرفت و آینده. ما به شدت در این موضوع به عمق نگاه نیازمندیم، به شناخت صحنه دقیق نیازمندیم و به فهم نوین نظم جهانی در لایه عمومی خودمان از نوجوانان تا بزرگسالان و زنان نیازمندیم تا صحنه را این طور ببینند و بر اساس این قواعد تحلیل بکنند. و در مجموع از همه این ها این استنباط می شود که ما اساساً یک بازآرایی جبهه معطوف به جنگ بکنیم و باید قواعد خودمان و رفتارهای خودمان را تغییر بدهیم و روندها و سازماندهی های خودمان معطوف به این جنگ یک سر و سامان متفاوتی بگیرد.

۶. به صحنه مبارزه با اسرائیل تنوع بدهیم. ما وقتی آن را انحصار می‌دهیم در فضای رسانه‌ای حرفه‌ای یا نظامی حرفه‌ای دیگر نقشی برای مردم را نمی‌توان ترسیم کرد جز تجمعات و راهپیمایی‌ها که اولاً به آن حس نمی‌گیرند. قطع شریان‌ها یکی از راهبردهای آقا بوده است، ارتباط جوانان ما با جوانان جهان، نوجوانان با نوجوانان، دانش‌آموزان با دانش‌آموزان، دانشجویان با دانشجویان از دستورات آقا در این عرصه بوده است. قطع شریان‌های اقتصادی از دستورات مهم بوده است. مسئله‌ی امت‌سازی و شکل‌گیری جریان مطالبات امت ها از حاکمیت‌های مسلمان یکی دیگر از محورهای اصلی بوده که حضرت آقا فرمودند. حضور زنان در مجامع بین‌المللی و نقش‌آفرینی آن‌ها باز یکی دیگر از محورهایی بوده که در این حوزه مطرح شده است و ده‌ها طرح بحث دیگری که این‌ها می‌تواند به ما کمک بکند تا صحنه را از این تک‌راهبردی بودن اینکه یک راهپیمایی صرف داشته باشیم و یک تجمعی داشته باشیم از این خارج می‌کند و ما را وارد ایده‌های متنوع مبارزه با اسرائیل بکند. در این راه ما باید حتماً کار بین‌المللی و جهانی‌اندیش بکنیم و نباید خودمان را درگیر فضای درونی جامعه ایران منحصر بکنیم. باید از کارهایی که فقط خودمان را راضی می‌کند و فقط به درد خودمان می‌خورد، مثل اینکه من بیایم و بگویم من در رابطه با موضوع اسرائیل متأسفانه هنر ما و جریان هنر انقلاب ما، گرفتار نحوی از اشراف‌زدگی، نحوی از بروکراسی، نحوی از سبک زندگی است که آن را از هنر جنبشی دور کرده است. با اینکه ظرفیت‌های بسیاری در بچه‌های ما است و ده‌ها راهکار از این دست که وقتی سراغ آن‌ها می‌رویم از مبارزه‌ی حقوقی، از مبارزه‌ی اقتصادی، از مبارزه‌ی اجتماعی، از مبارزه‌ی هنری، از مبارزه‌ی فکری، از مبارزه‌ی مالی، انواع و اقسام مبارزه‌ها که می‌تواند با رژیم صهیونیستی شکل بگیرد و همه‌ی مردم می‌توانند در آن نقش‌آفرینی بکنند و به میدان بیایند. و خواهش آخری که داریم ما برگردیم به قواعدی که فقط زنان و مردم را به نقطه‌ی پشتیبانی می‌برد و دیگر نمی‌تواند از آنان نقش‌آفرینی جدی در عرصه‌های واقعی جنگ بکند.

ان‌شاءالله که خدا به ما توفیق بدهد که در این صحنه‌ی مهم تاریخی بتوانیم نقش‌آفرین باشیم یادمان نرود که ما سال‌ها آرزو داشتیم که با اسرائیل وارد جهاد بشویم و پیامبر(ص) می‌فرمایند: «اگر کسی در دل خودش آرزوی جهاد با ظالمان و کفار و مشرکان را نداشته باشد، از نشانه‌های نفاق در دل اوست». این به نظر می‌آید که قدر این فرصت را بدانیم، قدر این لحظات را بدانیم، این لحظات بهترین لحظات تربیت نیرو است، این لحظات بهترین لحظات تحول است، این لحظات بهترین لحظات گرفتن آرایش‌های جدید تشکیلاتی و رشد تشکیلاتی است. و این لحظات را با مبارزه قدر بدانیم و مفهوم مبارزه را به متن زندگی خودمان بیاوریم. والسلام علیکم و رحمہ اللہ و برکاته.





حجت الاسلام علی مهدیان

– مسئول خانه طلاب قم

خلق محتوا، مهمترین خیزش اجتماعی

سه تا قدم بالا را چرا گفتیم؟ اگر یادتان باشد چندی قبل رهبری دو جلسه پشت سر هم داشت. در یکی بحث قدرت نظامی و دفاعی ما را مطرح کرد، گفت کاستی هایی هم هست ولی در مجموع در این جهت مقابل دشمن قدرتمندیم. اما در جلسه دیگر گفت همه نگرانی من از خلق محتوا است. این را از همه ما خواستند. جهاد تبیین و تحقق کلان روایت نیاز به خلق محتوا دارد و در این کار همه باید فعال شویم. صحنه این جنگ بهترین فرصت برای چنین خیزش و جوشش اجتماعی بین ما است.

آبادانی مملکت وجود

رابعاً قدم چهارم رسیدگی به مملکت وجود خودمان است. اینجا، همینجا که هستیم به قلبمان و اندیشه مان رسیدگی کنیم. وقت بلوغ و رشد درونی ما است، اگر دستانمان به هیچ جایی نرسد به خودمان میرسد. بگذارید سیدعلی خامنه ای وجودمان که فطرت الهی ما است، اسراییل درونمان که حب دنیای ما است نابود کند. وقت رشد فکری و معنوی است. آن سه قدم اول برای تحقق این قدم چهارم بسیار کمک کننده است. حتماً گارد جنگ بگیریم. نیت جنگ کنیم. این گارد و نیت مبارزه خودشان جان را تطهیر میکند، بعد وارد اقدام شویم یعنی خلق محتوا کنیم. اثر تبیینی در پیرامون خود بگذاریم. کارجمعی و تشکیلاتی کنیم و اینها خودشان در شکست شیطان وجودمان موثر است. خودمان را لاقال احیا کنیم و برخیزیم.

دعا، سلاح مومن

خامساً دعا کنیم. دعای ما و اشک ما سلاح قدرتمندی است. إِرْحَمْ مَنْ رَأْسَ مَالِهِ الرَّجَاءُ وَ سِلَاحُهُ الْبُكَاءُ. رزمندگان حقیقی رأس مالشان امیدواری است و اسلحه شان اشک است. قدرت رحمت الهی را این روش سرازیر می کند. و این هم روش مهم مومنین برای مبارزه است.

چند توصیه به جوانان

خیلی از جوانان و نوجوانان می پرسند ما در این جنگ چگونه مشارکت کنیم. دوست نداریم تماشاچی باشیم. دوست نداریم نق بزنیم. دست و دلمان به زندگی عادی نمیرود. دوست نداریم فقط غصه بخوریم یا حرص بخوریم یا ... پیشنهاد من این است:

شناسایی یا ایجاد دایره ارتباطی

اولاً دایره تاثیر خود را مشخص کنید: یعنی چی؟ یعنی میتوانید روی چند نفر موثر باشید. در فضای مجازی مثلاً ممکن است حداقل ده تا بیست تا، پنجاه تا، یا بیشتر رفیق و فامیل و آشنا باشند که سخن شما رو بشنوند و بخوانند و برایشان مهم باشد. در فضای حقیقی نیز شاید بتوانید در قالب جمع فAMILI، جمع رفاقتی، هیات، مسجد و... دایره ارتباطاتی داشته باشید، این را مشخص کنید.

تولید محتوا

ثانیاً محتوایی که به نظرتان در این شرایط به نفع ایران است را تولید کنید. مثلاً فکر می کنید با توجه به مجموعه بیانات رهبری الان چه سخنی را باید در این جمع ها به چشم آورید. این کار ساده نیست. ببینید رهبری خودش چگونه سخن گفته و می گوید.

ایجاد یا استفاده از تشکیلات

ثالثاً اگر می توانید در خلق محتوا با دوستانتان و جمع هایی که با اندیشه انقلاب آشنایی دارند، هم فکری کنید. این به خلق محتوا کمک میکند. آنهایی که اهل کار جمعی و تشکیلاتی اند، از توان جمعی تشکیلاتیشان استفاده کنند. اگر می توانند الان بهترین زمان ایجاد جمع و تشکیلات هم هست البته. جمع و تشکیلات هم در خلق محتوا و هم افزایش دایره تاثیر اجتماعی فوق العاده راهگشا است. آن هم جمع های معنوی و هیأتی که گارد ماموریت اجتماعی دارد.





مجیدی فرهنگ

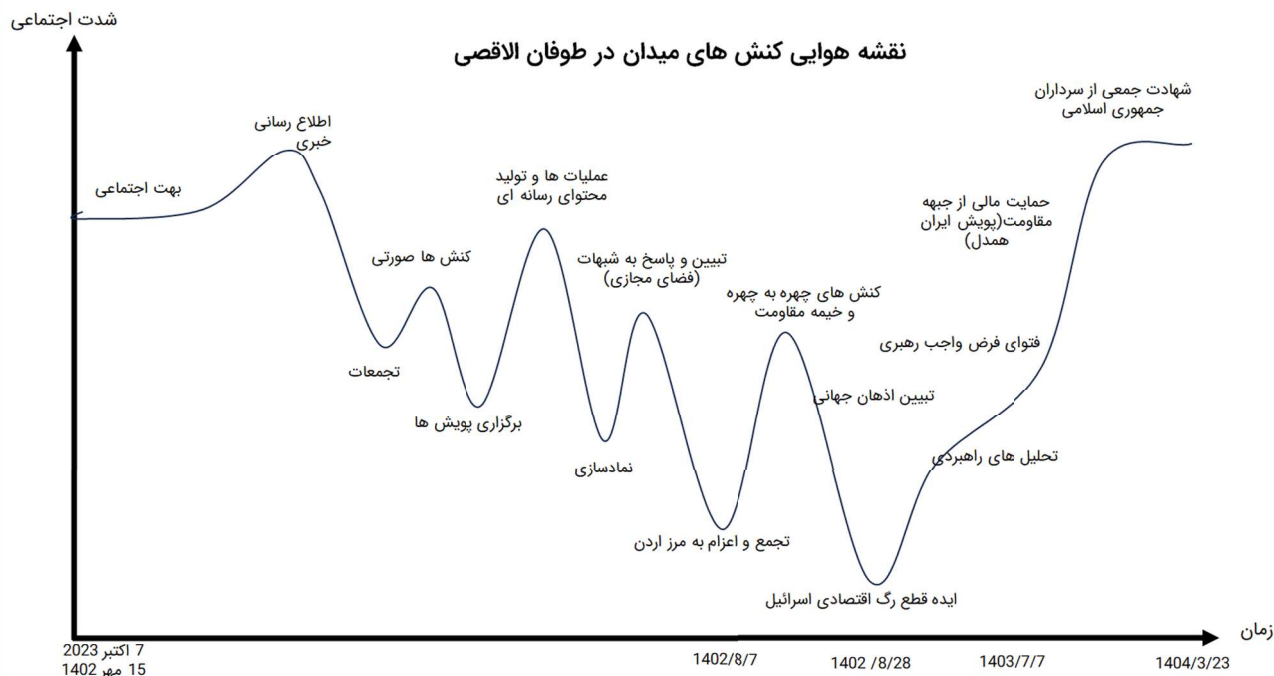
– مسئول اندیشکده حکمرانی فرهنگی

آنچه گذشت کنش‌ها

آن چیزی که از گونه شناسی و پدیدارشناسی کنش‌های میدانی در طوفان الاقصی رخ داد عموماً بخش‌هایی از صنف بانوان، مردمی، دانشجویی، اساتید دانشگاه، دانش‌آموزی، هنرمندان و دستگاه دیپلماسی درگیری کنشی با این مسئله بین‌المللی داشته‌اند که در سه موقعیت تاریخی شروع طوفان الاقصی، شهادت نصرالله، نماز جمعه رهبری بیشترین کنشگری را به خود اختصاص داده‌اند. این اقدامات به صورت کلی دارای پانزده حالت ایفای نقش می‌باشد که هر تعریف نقشی توانست شدت درگیری اجتماعی متناسب با خاص خود را ایجاد کند:

کنش اجتماعی، گفتمان ساز یا...؟

اکثریت کنشگری‌ها از حیت تکرار مبتنی بر تجمعات، فضاسازی و کنش‌های فضای مجازی است که عموماً ناظر بر فضای داخل کشور می‌باشد و دو گونه اول مذکور کمترین همراهی اجتماعی را داشته است مگر در دو برهه نمازجمعه مقاومت و تشییع سید حسن نصرالله. در زمان‌های آغاز طوفان الاقصی حرکت‌های نمادین و حتی کنش‌های صورتی برای شروع یک کنش اجتماعی موثر و گفتمان ساز بود برای مثل حرکت نمادین آن آقای میوه‌فروش که پرچم فلسطین را با میوه و سبزیجات درست کرده بود یا ساخت استیکی فلسطین و قراردادن آن در جعبه‌هایی بر روی دیوار اما برای تأثیر بر معادلات بین‌المللی کافی نبود به عبارتی این کنشگری‌های نمادین و عام می‌بایست به کنشگری‌های موثر و عمیق نقل مکان می‌کرد اما این انتقال راهبردی را صورت نداد. امروزه دیگر باید از تجربه کنش‌های میدانی و حافظه تاریخی که در این ایام بر ما گذشته است درس عبرت بگیریم و تمامی حرکت‌های میدان را در یک جهت مشخص قرار دهیم تا با برآیندگیری از آن یک اثر عینی ساخته شود و در این موقف سخنی از اثر پروانه‌ای حرفی به میان نیاوریم. عنصر زمانی جامعه و شرایط افکار عمومی در تعیین کنش ما نقش به‌سزایی دارد به عبارتی شرایط تطورات جنگ و اذهان عمومی است که دگردیسی کنش را تنظیم کنیم پس باید به شدت منعطف بود و به صورت چریکی و نه نظم سازمانی، عملیات کنیم.



زنجیره کنشگری، لازمه اثرگذاری بین المللی

شرایط کنونی فعلی دارای یک تجربه عقلانی در میدان است که باید با نگاه به این تطورات کنشی، خود را تعالی دهد. در این مدت ۶۰۰ روز زمان آن رسیده است که طراحی هر عملیات، اثرسنجی آن مبتنی بر افق بین المللی مورد سنجش قرار گیرد... اگر اثری دارد بسم الله... اگر خیر از لغوگرایی در کنشگری و کارهایی که فقط عملگی بیهوده است و نقطه ای را اصلاح نمی کند و بیشتر شبیه بازی و دکانی برای دورهمی است، از آنها دوری جست.

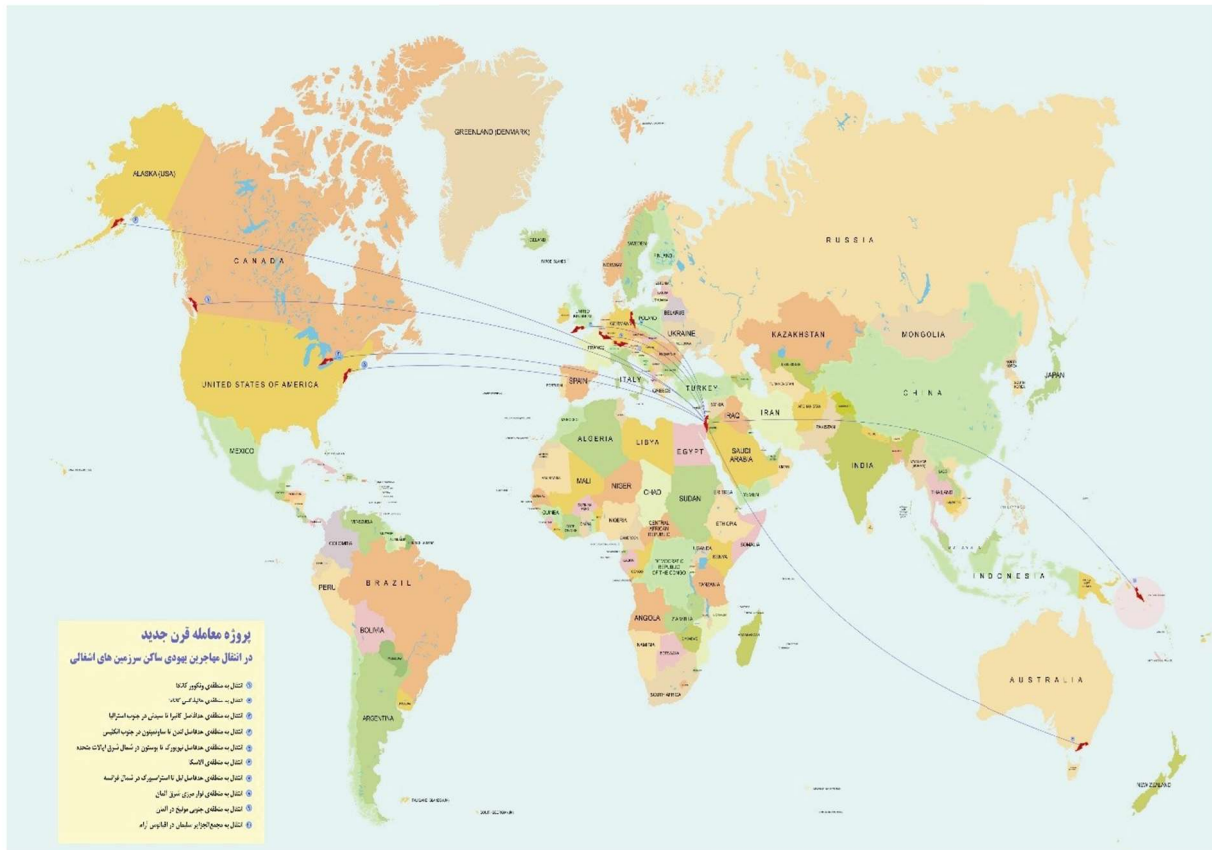
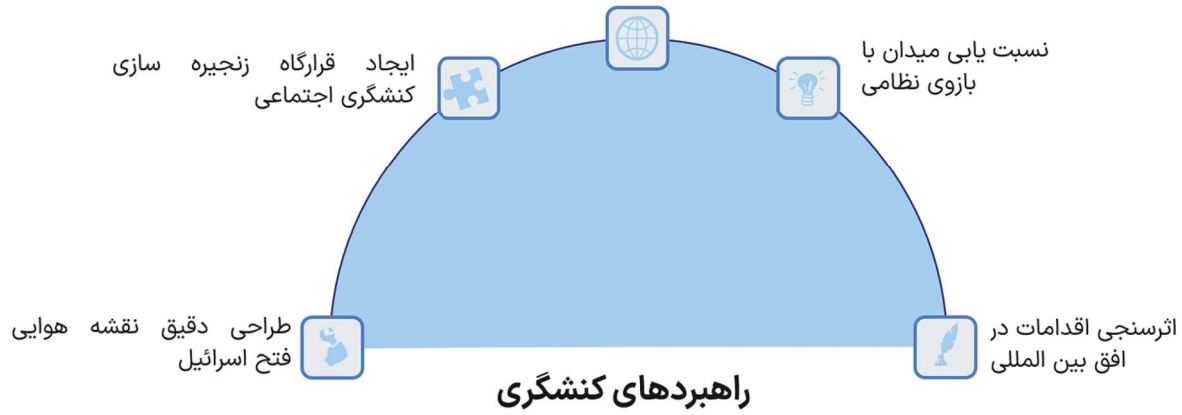


امروزه نیازمند زنجیره کنشگری هستیم که منجر به شبکه اثرات شود و در این شبکه فکر، موقعیت، کنشگر و شبکه جهان اسلام به هم اتصال بخورد. حالا هرکسی به موقعیتی را حفظ می کند و پوسته ی کنشگری او می شود یک خبرنگاری جنگ، یک یادداشت یا یک اثرهنری... درس آموزی های کنش های میدان دارای آسیب هایی است که به این آسیب ها باید توجه داشت و آنها را اصلاح کرد.

راهبری میدان، وظیفه حلقات میانی

راهبری میدان امروز رسالت حلقات میانی است و جنگ پیش رو آزمونی برای تمامی حلقات میانی در سطوح گوناگون است تا نشان دهند چقدر میتوانند به ظرفیت های مردمی جهت و تعالی بخشند. میدان می بایست فریاد انتقامی که از ملت بلند شد و سوخت موشک های نابودگر پایگاه آمریکایی و اسرائیلی است را تامین کند وگرنه موازنه به سازش های پذیرش هر اجباری خواهد رفت و دیگر فرصت نابودی اسرائیل از بین خواهد رفت. اگر امروز بتوانیم رهبری اجتماعی و رسیدن به نقطه آستانه تغییر را همراه میدان نظامی ایجاد کنیم، در یک شرایطی که مسیر الهی و از جایی که حساب نخواهیم برد به فتح اسرائیل منجر خواهد شد. این فتح در نهایت باتوجه به فرموده رهبری بایستی به همه پرسشی میان همه بومیان فلسطینی ساکن منجر شود و نوع حاکمیت بومیان فلسطینی مشخص شود و طی سازوکاری ۵ میلیون نفر مهاجر یهودی ساکن فلسطین اشغالی به هشت منطقه ی پیشنهادی منتقل شوند یا اینکه به کشورهای مبدا خود برگردند. این تقریری از ابتدا و انتهای ماجرای فتح اسرائیل در تاریخ بشریت می باشد که بایستی تمامی اجزای این نقشه هوایی طراحی شود.

حد گذاری هدف گذاری فتح الحدود



راهبر میدان



جهت اطلاع بیشتر و همکاری با ستاد مردمی جنگ از طریق آیدی زیر اقدام فرمایید.

@amirnabi1



شبکه یارگران
پیشرفت ایران

